



کسینجر به انور سادات گفت علت این حمایت آن است که اسرائیل در حال آماده شدن برای حمله هسته‌ای بود و در عین آنکه بر مصر به خاطر این حجم فروش تسلیحات به دشمنش منت گذاشت، آن را تهدید کرد که در صورت تکرار چنین حمله‌ای با بمب اتم مواجه خواهد شد

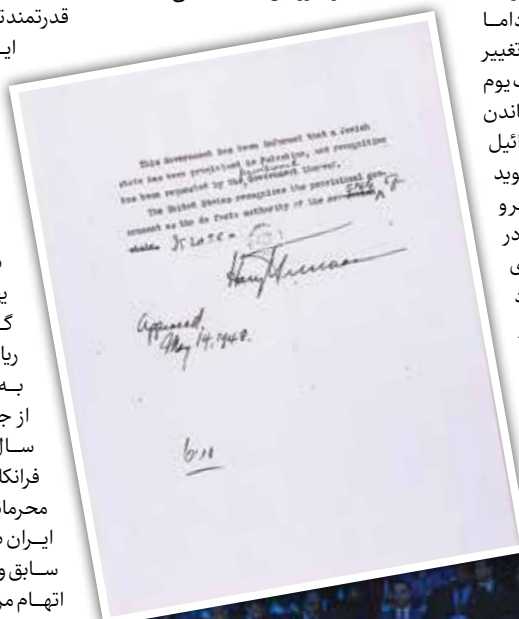
روابط آمریکا و اسرائیل در دوره دوم ریاست جمهوری ریگان تقویت شد. اسرائیل در سال ۱۳۶۸ وضعیت «متحد اصلی اما غیرعضو ناتو» را دریافت کرد که منجر به بهانه بیشتری برای حمایت تسلیحاتی از آن شد. ایالات متحده کمک‌های بلاعوض به اسرائیل را سالانه ۳ میلیارد دلار قرار داد. در اوج جنگ سرد، آمریکا به اسرائیل به عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه نگاه می‌کرد که با گسترش نفوذ شوروی مقابله کند، به خصوص که کشورهای مصر و سوریه به وضوح به بلوک شرق متمایل شده بودند. فروپاشی کمونیسم اولین ترک‌ها را در راهبردی بودن و ماندگاری همکاری آمریکا و اسرائیل ایجاد کرد. با این حال، بلافاصله لابی پر قدرت کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل وارد مناسبات دو کشور شد. کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل که به ای‌پک مشهور است، یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین گروه‌های لابی در آمریکاست. این گروه که با الگوی موفق نفوذ براندیس مورد توجه جدی قرار گرفت، با بیش از صدهزار عضو، هر ساله، میلیون‌ها دلار خرج سرمایه‌گذاری در نفوذ بر سیاست‌های دولتی و قانونگذاری آمریکا می‌کند. با توجه به جایگاه سرمایه و قدرت یهودیان در آمریکا، اهمیت این گروه تا آنجاست که نامزدهای ریاست جمهوری، در جلب توجه آن به خود رقابت دارند. از جمله حواشی این گروه در این سال‌ها، رسوایی جاسوسی لارنس فرانکلین است که شامل انتقال اسناد محرمانه در مورد سیاست آمریکا در قبال ایران به اسرائیل بود. فرانکلین، کارمند سابق وزارت دفاع ایالات متحده، به چندین اتهام مرتبط با جاسوسی اعتراف کرد و در دی‌ماه ۱۳۸۴ به حدوداً ۱۳ سال زندان محکوم شد که بعداً به ده ماه حبس خانگی کاهش یافت.

با وجود این ماجرا، همچنان ای‌پک نقشی محوری در آمریکا دارد و با نفوذی که در کنگره، سنا و دولت دارد، بارها توانسته است منافع رژیم صهیونیستی را به آمریکا تحمیل کند؛ تا آنجا که به نازگی ترامپ افشا کرد در ترور سردار سلیمانی، اسرائیل آن را تا لحظه آخر همراهی کرده است اما در لحظه آخر کنار کشیده و حاضر به شراکت در هزینه تئوری که بیشترین منافعش برای صهیونیست‌ها بود، نشده است.

عرب و سابقه رهبری در جهان عرب تحت رهبری ناصر، با این تدبیر آمریکا جایگاه خود را چنان از دست داد که به مدت ده سال از اتحادیه عرب نیز تعلیق شد. اما این سیاست از سوی آمریکا چنان دنبال شد که توافقنامه‌های مختلف همچون اسلو و آبراهام را در پی داشت و همچنان اصلی‌ترین راهبرد آمریکا است.

### نفوذ در ارکان قدرت

اگرچه صلح در دستور قرار گرفته بود اما جنگ همچنان به صورت زرزو باقی ماند. آبان ۱۳۶۲، دو طرف یک گروه نظامی سیاسی مشترک را تشکیل دادند که دو بار در سال گرد هم می‌آیند تا اکثر مفاد آن توافقنامه را اجرا کنند. تمرینات نظامی مشترک هوایی و دریایی در تابستان ۱۳۶۳ آغاز شد و آمریکا دو تأسیسات ذخیره جنگی را برای ذخیره تجهیزات نظامی در سرزمین‌های اشغالی ساخت.



شدن برای حمله هسته‌ای بود و در عین آنکه بر مصر به خاطر این حجم فروش تسلیحات به دشمنش منت گذاشت، آن را تهدید کرد که در صورت تکرار چنین حمله‌ای با بمب اتم مواجه خواهد شد. این جنگ منجر به اتحاد کاملاً راهبردی میان آمریکا و اسرائیل شد و این منطقه ژئوپلیتیک اشغالی را به منطقه‌ای کاملاً تحت نفوذ آمریکا تبدیل کرد و رقبای اروپایی ایالات متحده را کنار زد. از جمله حواشی این عملیات، استعفای رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا بود. برخی نوشتند ژنرال چهار ستاره جورج براون، پس از اظهار نظرهایی مبنی بر اینکه اسرائیل به دلیل کنترل سیستم بانکی آمریکا توسط یهودیان، کمک نظامی دریافت کرده است، مجبور به استعفا شد.

### خدعه به جای جنگ

اگرچه اسرائیل برای ایده «نیل تا فرات» همچنان در اندیشه کشورگشایی بود اما مقاومت عربی و تحریم نفت، موجب تغییر شرایط حامیانش شد. پس از جنگ یوم کیپور، آمریکا نقش اصلی خود را در نشان دادن دولت‌های عربی بر سر میز صلح با اسرائیل تعریف کرد. در نتیجه توافقنامه کمپ دیوید توسط انور سادات، رئیس جمهور مصر و مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل در شهریور ۱۳۵۷ امضا شد. محمدرضا پهلوی از جمله کاتالیزورهای این توافقنامه بود اما به دلیل بحرانی که در داخل کشور با آن روبه‌رو بود و می‌دانست حضورش در جلوی صحنه، چه عوارضی برای وی خواهد داشت، نقش خود را در پشت صحنه بر عهده گرفته بود. مصر با داشتن قدرتمندترین ارتش

ردیف اول روابط راهبردی نبود. این به معنای کم‌اهمیت بودن نقش آمریکا نیست؛ به عنوان نمونه پس از برگزاری کنفرانس کریمه در بهمن ۱۳۲۳، روزولت با این سعود ملاقات کرد و اطمینان داد پس از تأسیس کشور اسرائیل، منافع اعراب را در نظر خواهند گرفت و به این صورت مقدمات جعل دولت را فراهم ساخت. مرگ روزولت در فروردین ۱۳۲۴ هیچ خللی در این روند ایجاد نکرد و پس از او نیز هری ترومن کاملاً حامی صهیونیسم بود. در دوره ترومن ایده ساخت دولت برای صهیونیست‌ها به نتیجه رسید و آمریکا بلافاصله و به عنوان اولین کشور پس از اعلام تأسیس اسرائیل، آن را به صورت بالفعل به رسمیت شناخت. با این حال، در این زمان هنوز آمریکا به عنوان مقام اول در پشتیبانی اسرائیل تلقی نمی‌شد، از جمله آنکه سالیان ابتدایی، دولت آمریکا (حد اقل به صورت رسمی) از اعلامیه تحریم تسلیحاتی سازمان ملل تبعیت و از فروش تجهیزات نظامی به اسرائیل خودداری کرد.

### نقطه عطف روابط امنیتی آمریکا و اسرائیل

وقتی در جنگ یوم کیپور در سال ۱۳۵۲، اسرائیل غافلگیر شد و در حال فروپاشی بود، آمریکا تجهیزات را با ایجاد یک دالان هوایی از طریق اروپا حمل کرد و رکوردی از جابه‌جایی تسلیحات بر جای گذاشت. این اقدام که به «عملیات نیکل گراس» مشهور شد، یک عملیات حمل و نقل هوایی استراتژیک بود که طی ۲۲ مهر ۱۳۵۲ به مدت ۲۲ روز، بیش از ۲۲ هزار تن کالای نظامی شامل تانک، توپ، مهمات و تدارکات را در هواپیماهای ترابری ارسال کرد تا اطمینان حاصل شود که دولت اشغالگر قدس از حمله هماهنگ و غافلگیرانه مصر و سوریه جان سالم به در می‌برد. در این مقطع کشورهای عربی صادرکننده نفت که عضو اوپک بودند، به هشدارهای اعلام شده قبلی خود مبنی بر استفاده از نفت به عنوان «سلاح» پایبند ماندند و تحریم کامل نفت آمریکا را اعلام کردند که منجر به بحران نفتی سال ۱۹۷۳ شد. با این حال و علی‌رغم آتش‌بس، آمریکا همچنان عملیات تدارکات مجدد خود را از طریق دریا انجام داد و تا آبان ۱۳۵۲، ۳۳ هزار تن کالای نظامی به اسرائیل تحویل داد. شاه در این بحران تأمین نفتی دشمنان فلسطین را با جدیت به عهده گرفت. کسینجر به انور سادات گفت علت این حمایت آن است که اسرائیل در حال آماده